



کاوش نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)  
دانشگاه رازی، سال نهم، شماره ۳۳، بهار ۱۳۹۸، صص. ۱۴۷-۱۵۳  
(نقد و نظر)

## اشارتی گذرا به تأثیر مضامین قرآن کریم در شعر حافظ

ز حافظان جهان کس چو بنده جمع نکرد  
لطائف حکمی با نکات قرآنی

«از استاد حافظ، میر سید شریف جرجانی (م ۸۱۶ هـ) نقل شده است که می گفت: شعر حافظ همه الهامات و حدیث قدسی و لطائف حکمی و نکات قرآنی است.» (علوی مقدم، ۱۳۸۹: ۶۳)  
حافظ رمز موقّیت خود را در تأثیرپذیری از قرآن می داند:

صبح خیزی و سلامت طلبی چون حافظ هرچه کردم همه از دولت قرآن کردم  
(حافظ، ۱۳۶۸: ۴۳۱)

در بیت زیر نیز اشاره به آشنایی خود با چهارده روایت مختلف از قرآن کریم دارد:  
عشقت رسد به فریاد، ار خود به سانِ حافظ قرآن ز بر بخوانی در چارده روایت  
(همان: ۱۳۱)

در بیت زیر مدّعی است که اشعارش تفسیر قرآن است و خواننده را از شرح و توضیح آیات قرآن بی نیاز می کند:

چو من ماهی کلک آرم به تحریر تو از نون و القلم می پرس تفسیر  
(همان، ۱۳۸۸: ۳۸۳)

در این بیت هم به صراحت به حافظ قرآن بودن خود اشاره دارد:  
ندیدم خوش تر از شعر تو حافظ به قرآنی که اندر سینه داری  
(همان، ۱۳۶۸: ۶۰۸)

حافظ در این بیت به روشنی از انس خود با قرآن کریم یاد می کند:  
حافظا در کنج فقر و خلوت شب های تار تا بود وردت دعا و درس قرآن، غم مخور  
(همان: ۳۴۵)

چهارده بار تکرار واژه قرآن در دیوان حافظ گواهی بر تأثیرپذیری وی از قرآن کریم بوده است؛ در شعر حافظ عبارات قرآنی به وفور دیده می‌شود. منظور از عبارات قرآنی بخشی از یک آیه است که معنایی مستقل دارد. مثل ﴿يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾ (طلاق/ ۳) و ﴿جَنَّتِ تَجْرِي مَحْتَمًا الْأَنْهَارُ﴾ (توبه/ ۱۰۰)، این عبارات‌های قرآنی گاه بدون دخل و تصرف در وزن و قافیه ابیات خوش نشستند؛ مانند ﴿مِنَ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيٍّ﴾ (انبیاء/ ۳۰) و گاه بنا به ضرورت شعری اندک تغییری در آن‌ها صورت گرفته است مثل «سَلَامٌ فِيهِ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ» که به جای «هی»، «فیه» آمده است.

افزون بر این ده‌ها تعبیر، اصطلاح و واژه قرآنی در شعر حافظ دیده می‌شود؛ از جمله «إن یکاد»؛ «صبغة الله»، «جنة المأوی»، «شیطان رحیم»؛ گاه نیز بنا به ضرورت وزن شعر کلمات مختلف قرآنی را با هم ترکیب کرده است؛ مانند «عظم رمیم»، «بهشت عدن» و «قرّة العین» تک‌واژه‌های قرآنی نیز در شعر حافظ به وفور دیده می‌شود؛ از جمله «میقات»، «سلسبیل»، «الست» و... بی‌تردید «لطایف حکمی با نکات قرآنی» جایگاه برجسته‌ای در اشعار حافظ دارد. برخی از این نکات قرآنی بسیار آشکار است؛ از جمله:

آسمان بار امانت نتوانست کشید  
قرعه کار به نام من دیوانه زدند  
(۱۳۶۸: ۲۴۸)

که برگرفته از آیه مبارکه ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾ (احزاب/ ۷۲) است.

گاه تأثیرپذیری حافظ از حکمت‌های قرآنی به دقت بیشتری نیاز دارد؛ مثل ارثیه بهشت برای مؤمنین در بیت زیر:

حافظا خلد برین خانه موروث من است  
اندر این منزل ویرانه نشیمن چه کنم  
(۱۳۶۸: ۴۶۹)

این بیت متأثر از آیه ذیل است: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ، الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ، أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ، الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (مؤمنون/ ۱).

در این نوشتار کوتاه چند مضمون قرآنی در اشعار حافظ معرفی شده است. ویژگی این مضامین وجود نکات مشترک ظریفی است که از دید شارحان اشعار حافظ به دور مانده است.

### ۱. خداوند قادر مطلق

سیر سپهر و دور قمر را چه اختیار  
در گردشند بر حسب اختیار دوست  
(حافظ، ۱۳۶۸: ۸۴)

﴿وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ﴾ (اعراف / ۵۴)؛ (نقل از پرتو علوی، ۱۳۶۹: ۴۸)  
سیر سپهر و دور قمر: الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ. در گردشند بر حسب اختیار دوست: مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ.

## ۲. منزل ماه و خورشید

ماه و خورشید به منزل چو به امر تو رسند یار مه‌روی مرا نیز به من بازسان  
(حافظ، ۱۳۶۸: ۵۲۴)

﴿وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ﴾ (یس / ۳۹)؛ (نقل از زرین کوب، ۱۳۸۷: ۲۱۲)

ماه و خورشید: الْقَمَرُ. به منزل: مَنَازِلَ

## ۳. مشیت الهی

جام می و خون دل هر یک به کسی دادند در دایره قسمت اوضاع چنین باشد  
(حافظ، ۱۳۶۸: ۲۱۷)

﴿وَتُعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُدَلُّ مَنْ تَشَاءُ﴾ (آل عمران / ۲۶)؛ (نقل از سپهر، ۱۳۶۸: ۹۰)

جام می: تُعَزُّ؛ خون دل: تَدَلُّ

به دُرد و صاف تو را حکم نیست، خوش درکش که هر چه ساقی ما کرد عین الطافست  
(حافظ، ۱۳۶۸: ۶۳)

﴿وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (بقره / ۲۱۶)

دُرد: تَكْرَهُوا؛ صاف: تُحِبُّوا؛ عین الطافست: خَيْرٌ لَّكُمْ.

دلبر آسایش ما مصلحت وقت ندید ورنه از جانب ما دل‌نگرانی دانست  
(حافظ، ۱۳۶۸: ۶۸)

از جانب ما دل‌نگرانی دانست: ﴿مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ﴾ (نساء / ۷۸)

## ۴. شراب‌ریختن حق

آنچه او ریخت به پیمانۀ ما نوشیدیم اگر از خمر بهشتست و گر باده مست  
(حافظ، ۱۳۶۸: ۳۹)

﴿قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا﴾ (توبه / ۵۱)؛ (نقل از پرتو علوی، ۱۳۶۹: ۴۷-۴۸)

﴿وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا﴾ (دهر / ۲۱)؛ (نقل از همان: ۴۸)

آنچه او ریخت به پیمانۀ ما: سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ.

## ۵. حضور همیشگی خداوند

در عشق خانقاه و خرابات فرق نیست هر جا که هست، پرتو روی حیب هست  
(حافظ، ۱۳۶۸: ۸۸)

﴿... فَأَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ...﴾ (بقره/ ۱۱۵)؛ (نقل از دامادی، ۱۳۷۹: ۱۴۳ و پرتو علوی، ۱۳۶۹: ۱۸)  
هر جا که هست، پرتو روی حیب هست: ... فَأَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ... .

## ۶. نزدیکی خداوند به بندگان

بیدلی در همه احوال خدا با او بود او نمی دیدش و از دور خدا را می کرد  
(حافظ، ۱۳۶۸: ۱۹۳)

﴿وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ﴾ (حدید/ ۴)؛ (نقل از خطیب رهبر، ۱۳۶۹: ۸۰)  
﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلِمَ مَا تُسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾ (ق/ ۱۶)؛ (نقل از پرتو علوی، ۱۳۶۹: ۶۲)

﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ (انعام/ ۱۰۳)  
بی دلی در همه احوال خدا با او بود: وَهُوَ مَعَكُمْ. وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ. او نمی دیدش: لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ.

میان عاشق و معشوق هیچ حایل نیست تو خود حجاب خودی حافظ از میان بر خیز  
(حافظ، ۱۳۶۸: ۳۶۰)

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلِمَ مَا تُسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾ (ق، ۱۶)؛ (نقل از پرتو علوی، ۱۳۶۹: ۷۱)

میان عاشق و معشوق هیچ حایل نیست: وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ. تو خود حجاب خودی: مَا تُسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ

## ۷. خطر لغزش آدمی

دام سختست مگر یار شود لطف خدا ورنه آدم نبرد صرفه ز شیطان رجیم  
(حافظ، ۱۳۶۸: ۵۰۰)

﴿وَمَا أُبْرِيءُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (یوسف/ ۵۳)  
دام سخت است: وَمَا أُبْرِيءُ نَفْسِي. مگر یار شود لطف خدا: إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي.  
ورنه آدم نبرد صرفه ز شیطان رجیم: ﴿لَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ (نساء/ ۸۳)

## ۸. رحمت خداوند

بیا که دوش بمستی سروش عالم غیب      نوید داد که عامست فیض رحمت او  
(حافظ، ۱۳۶۸: ۵۵۱)

﴿إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا﴾ (زمر / ۵۳)؛ (نقل از سپهر، ۱۳۶۸: ۲۰۶)

﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ﴾ (اعراف / ۱۵۶)

عام است فیض رحمت او: وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ.

## ۹. توکل به خداوند

بجان دوست که غم پرده بر شما ندرد      گر اعتماد بر الطاف کارساز کنید  
(حافظ، ۱۳۶۸: ۳۳۰)

﴿... وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ...﴾ (طلاق / ۳)

﴿... فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ...﴾ (آل عمران / ۱۵۹ - ۱۶۰)

به جان دوست که غم پرده بر شما ندرد: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ. اگر اعتماد بر الطاف کارساز کنید: فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ.

## ۱۰. گرایش به حق

دامن دوست بدست آر و ز دشمن بگسل      مرد یزدان شو و فارغ گذر از اهرمان  
(حافظ، ۱۳۶۸: ۵۲۷)

﴿إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا إِذْ هُمَا فِي الْعَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (توبه / ۴۰)

بعید نمی نماید که حافظ در بیت بالا نظری به این آیه داشته است.

دامن دوست به دست آر... مرد یزدان شو: إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا. و فارغ گذر از اهرمان: فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ.

## ۱۱. پیروی از سخن حق

حافظ ار خصم خطا گفت نگیریم برو      ور به حق گفت، جدل با سخن حق نکنیم  
(حافظ، ۱۳۶۸: ۵۱۵)

﴿فَبَشِّرْ عِبَادَ، الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ﴾ (زمر / ۱۷ - ۱۸)؛ (نقل از سپهر، ۱۳۶۸: ۱۹۴)

ور به حق گفت جدل با سخن حق نکنیم: **يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ.**

## ۱۲. بخشش و سخاوت

ای نور چشم من سخنی هست گوش کن چون ساغرت پرست بنوشان و نوش کن

(حافظ، ۱۳۶۸: ۵۴۱)

﴿وَأَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (منافقون / ۱۰)

چون ساغرت پر است: قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ. بنوشان و نوش کن: وَأَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ.

## ۱۳. روزنامه اعمال

آبی به روزنامه اعمال ما فشان باشد توان سترد حروف گناه ازو

(حافظ، ۱۳۶۸: ۵۶۲)

﴿فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَآؤُمْ أَقْرَأُوا كِتَابِيَةَ﴾ (حاقه / ۱۹)  
 ﴿وَكُلِّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا، أَقْرَأُ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا﴾ (اسراء / ۱۳-۱۴)؛ (نقل از دامادی، ۱۳۷۹: ۱۵۵)  
 ﴿فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ (فرقان / ۷۰)  
 توان سترد حروف گناه ازو: يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ.

و حید سبزیان پور\*

استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

فریده احمدی\*\*

کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی

## منابع

### • قرآن کریم

پرتو علوی، عبدالعلی (۱۳۶۹). بانگ جرس. چاپ چهارم، تهران: خوارزمی.

حافظ، شمس الدین محمد (۱۳۶۸). دیوان غزلیات. به کوشش خلیل خطیب رهبر. چاپ پنجم، تهران: صفی علیشاه.

----- (۱۳۸۸). دیوان حافظ. براساس نسخهٔ محمد قزوینی و قاسم غنی. چاپ هفتم،

تهران: طلایه.

خطیب رهبر، خلیل (۱۳۶۹). *غزلیات حافظ*. تهران: صفی علیشاه.

دامادی، سید محمد (۱۳۷۹). *مضامین مشترک در ادب فارسی و عربی*. تهران: دانشگاه تهران.

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۷). *از کوچۀ زندان*. چاپ هجدهم، تهران: سخن.

سپهر (عرب زاده)، فرشته (۱۳۶۸). *صراحی می ناب*. چاپ اول، تهران: امیرکبیر.

علوی مقدم، محمد، (۱۳۸۹). *بهرهٔ حافظ از آیات قرآن*. حافظ، (۷)، ۶۳-۶۹.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی